

جامعه‌شناسی در میانه واقعیت‌های مشهود و واقعیت‌های غیب

سیدسعید زاهدزاهدانی، عضو هیات علمی دانشگاه شیراز: جامعه‌شناسی پدیده‌های اجتماعی را بررسی می‌کند. این پدیده‌ها با دو نوع نگاه بررسی می‌شوند. در نگاه اول واقعیت‌های مشهود و در نگاه دوم جان پدیده در نظر گرفته می‌شود و جان جامعه واقعیت غیب است. تمام پدیده‌های موجود در عالم دو دسته هستند: واقعیت مشهود و واقعیت غیب. در نگاه‌های سکولاریستی فقط به واقعیت مشهود توجه می‌شود بنابراین همه چیز باید قابل‌تجربه باشد و علم صرفاً تجربی می‌شود. در جامعه‌شناسی اسلامی که امکان استفاده از قرآن و فهم واقعیت غیب را از دانش الهی داریم، می‌توانیم آن را وارد مطالعات کنیم. بنابراین جامعه‌شناسی ما صرفاً تجربی نیست. تفاوت جامعه‌شناسی امروز و سکولار در این است که جامعه‌شناسی سکولار فقط به واقعیت‌های مشهود توجه می‌کند اما جامعه‌شناسی هم واقعیت مشهود و هم واقعیت غیب را مدنظر قرار می‌دهد.

جامعه‌شناسی اسلامی چگونه تولید می‌شود؟

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین بستان: ما دارای دو منظومه معرفتی هستیم. منظومه‌ای که به‌عنوان جامعه‌شناسی شناخته می‌شود و جنبه معرفتی آن واضح است و می‌خواهد پدیده‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی را بشناسد. منظومه معرفتی دیگر دینی است و براساس آموزه‌های دینی می‌توان پدیده‌های عالم را شناخت. آموزه‌های دینی فقط محتوای هنجاری و ارزشی ندارند بلکه محتوای معرفتی هم دارند. اگر بتوانیم دو منظومه معرفتی را با یکدیگر تلفیق کنیم آنچه تولید می‌شود جامعه‌شناسی اسلامی خواهد بود. وجه تمایز آن با جامعه‌شناسی موجود در دو یا سه عنصر تعریف می‌شوند. هر جامعه‌شناسی به دنبال شناخت پدیده‌های اجتماعی است. در این فرآیند شناخت به عناصری نیاز داریم. یکی از این عناصر میانی مؤثر در معرفت ما هستند که لزوماً از جنس گزاره‌های جامعه‌شناختی نیستند بلکه میانی انسان‌شناختی و هستی‌شناختی هستند.

از مناقشه حریم خصوصی و نظارت اجتماعی تا پرسش از جهل

پرسه در حوالی کتاب‌ها

نظارت اجتماعی و مساله «امر به معروف و نهی از منکر» ضروری است.» این کتاب در پنج فصل سامان یافته است و به مباحثی مانند: محدوده حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، میانی نظری نگاه اسلامی و غربی در حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، تبیین چگونگی تعامل بین دو حوزه حریم خصوصی و نظارت اجتماعی وشو‌ه‌های نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج‌البلغه می‌پردازد.

آن کس که نداند و نداند که نداند

نسبت دانایی و جهل و مراتب دانایی و جهل موضوعی بوده که در حوزه اندیشه کم و بیش مورد توجه بوده است. امیر فخرالدین محمود بن امیر یحیی‌الدین طغرایی مستوفی بیهقی فرمودی، مشهور و متخلص به «این یمین» یکی از شاعران ایران سده هشتم هجری است که در شعری که بسیار مان حداقل یک بار به گوش شنیده‌ایم در این باره یعنی به دومراتب بودن جهل و دانایی پرداخته است: آن کس که بداند و نخواهد که بداند خود را به بلدنای سعادت برساند آن کس که بداند و بداند که بداند

با کوزه آب است ولی تشنه بماند آن کس که نداند و نخواهد که بداند جان و تن خود را ز جهالت برهاند آن کس که نداند و نخواهد که بداند حیف است چنین جانوری زنده بماند. کامل این شعر در کتاب معراج السعاده چنین آمده است:

آن کس که بداند و بخواهد که بداند خود را به بلدنای سعادت برساند آن کس که بداند و بداند که بداند اسب شرف از گنبد گردون بجهاند آن کس که بداند و نداند که بداند با کوزه آب است ولی تشنه بماند آن کس که نداند و بداند که نداند لنگان خرک خویش به مقصد برساند آن کس که نداند و بخواهد که بداند جان و تن خود را ز جهالت برهاند آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدال‌هر بماند آن کس که نداند و نخواهد که بداند حیف است چنین جانوری زنده بماند از این شعر که بگذریم به تازگی دانیل رین دینکلا، رئیس و استاد فلسفه در کالج کیتیزبرگ در تأثیرات جهل و دومراتب بودن آن کتابی جالب‌با عنوان «درک جهل: تأثیر شگفت‌انگیز آنچه ما نمی‌دانیم» توسط انتشارات ام آی تی منتشر کرده است. این کتاب را می‌توان در دایره آثار مربوط به فلسفه علم جای داد. معرفت‌شناسی یکی‌ازمباحث‌حوزه فلسفه است که پدیده‌های مربوط به دانش را بررسی می‌کند. سوالات اصلی سنتی در این حوزه عبارتند از: دانش از چگونه‌حدسیات متفاوت است؟ دانش می‌تواند ذاتی باشد؟ آیا شک و تردید یک تهدید است و اگر چنین باشد، چگونه باید با آن مقابله کرد؟ آیا می‌توان چیزی را فقط براساس آنچه یک شخص دیگر می‌گوید شناخت؟ در پس زمینه تمام این سوالات سنتی یک نگرانی وسیع وجود دارد که اغلب به صراحت به آن توجه نشده است؛ و آن هم نگرانی در رابطه با جهل است. ما ماهیت دانش را مطالعه می‌کنیم تا بتوانیم بر جهل غلبه کنیم و در عین حال جهل اغلب یک معیار صریح آزمون و سنجش نیست. دانیل رین دینکلا در کتاب درک جهل و نادانی می‌گوید: «تأثیر شگفت‌انگیز آنچه ما نمی‌دانیم پرونده‌ای برای جهل در مرکز معرفت‌شناسی قرار می‌دهد. او استدلال می‌کند که جهل یکناوخت نیست و در بسیاری از اشکال و قالب‌ها می‌آید و از این رو اشکال مختلف جهل باید به روش های مختلف مورد توجه قرار گیرد.»

این کتاب خواندنی از ۱۱ فصل تشکیل شده که عناوین آن عبارتند از: فصل اول: تأثیر جهل، فصل دوم: تصور جهل، فصل سوم: جایگاه جهل، فصل چهارم: بی‌گناهی و جهل، فصل پنجم: نقشه‌برداری جهل ما، فصل ششم: ساختار یافته، فصل هفتم: اخلاقیات جهل، فصل هشتم: فضیلت‌ها و ناهنجاری‌های جهل، فصل نهم: جهل به‌عنوان محدودیت، فصل دهم: مدیریت جهل، فصل یازدهم: افق جهل.



چگونگی ورود به جامعه مدنی کامله

حجت‌الاسلام داوود مهدوی‌زادگان: ما برای رهایی از آسیب و قرار گرفتن در مسیر جامعه مدنی کامله به گفتمان و ادبیاتی نیاز داریم که از سویی حامل هر دو مفهوم حق و تکلیف باشد و از سوی دیگر، سیطره اجتماعی آن فراگیر و عام بوده باشد. منظومه معرفتی با چنین خصوصیاتی را تنها در گفتمان فقهی می‌توان جست‌وجو کرد، چنانکه گذشت فقه اسلامی تکلیف‌محور و متضمن مقوله حق است و از طرف دیگر گستره اقبال عمومی آن شامل جمیع اقشار مردم است. اسلام فقهانی در مدت اندکی از به رسمیت شناخته شدن آن بعد انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش) موفقیت‌های چشمگیری را از خود نشان داده است. اداره دفاع مقدس و حضور فعال در عرصه‌های سازندگی و مقتدرانه در عرصه روابط منطقه‌ای و بین‌المللی بخشی از موفقیت‌های گفتمان فقاht است. بدین ترتیب اسلام فقهاتی نقش بسزایی در ورود به جامعه مدنی کامله و گذار از آسیب‌های ناخواسته آن دارد.

فرهیختگان حوزه

به‌عنوان نهاد علمی سنتی سابقه‌ای چندصد ساله دارد. در گذشته در کنار الهیات و ادبیات که از دروس اصلی حوزه‌های دینی بود، طبیعیات، ریاضیات، هیئت و سایر علوم نیز در حوزه تدریس می‌شد و اکثر حکمای ما در تمام این رشته‌های صاحب‌نظر بوده‌اند. این سنت در غرب مسیحی هم جاری بود و اختصاصی به جهان اسلام نداشت. پس از انقلاب علمی و پیشرفت پرسرعت علوم تجربی، رشته‌های مختلف به‌طور تخصصی‌تر مورد بررسی قرار گرفت و اصطلاحاً دیسپلینه شد. با کشفیات جدید علمی و روشن شدن تقابل آن با بخشی از طبیعیات ارسطویی که داخل سنت مسیحی قرون وسطایی شده بود روزه‌روز ارتباط نهاد جدید علم با دانش سنتی گذشته گسسته شد. با آشنایی ایرانیان با غرب جدید و تاسیس دانشگاه در ایران، همین اتفاق در کشورمان نیز رخ داد و عملاً این دو نهاد علمی به موازات هم به تولید دانش پرداختند. حوزه علمیه بیشتر به سمت الهیات، فقه و اصول و ادبیات کشیده شد و دیگر مانند سابق تا‌کیدی بر تدریس سائر حوزه‌های حکمت در آن نبود و دانشگاه هم گرچه در ابتدا با استخدام علمای حوزه در رشته‌های مرتبط، اندکی از آبشخور نهاد سنتی علم بهره گرفت اما در سایر رشته‌ها مسیر خود را در ادامه سنت جدید علم و دانش در غرب پی گرفت و متخصصان هر رشته کرسی‌های تدریس را تصاحب کردند و به نشر علوم جدید همت گمازند. پس از انقلاب بحث تقریب این دو نهاد علمی سنتی و جدید رونق گرفت و تحت عنوان وحدت حوزه و دانشگاه مطرح شد. بسان

سایر آرمان‌های انقلابی، سال‌هاست از عمر این ایده کارساز می‌گذرد و هر ساله در سالروز شهادت مفتاح گرامی‌داشتی به این مناسبت برگزار می‌شود. در کرسی علمی ترویجی «ماجرای جدایی حوزه و دانشگاه» که عنوان کتابی از سلیمان خاکبان، استاد دانشگاه قم هم هست؛ او، علی ذوعلم و مهدی مولایی به سخنرانی در باب این موضوع پرداختند. این نشست به گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد. خاکبان در این کتاب که در مدت ۶ ماه به‌رشته تحریر درآمده عوامل داخلی و خارجی جدایی وحدت حوزه و دانشگاه را بررسی کرده است.

خاکبان در صحبت‌های خود با تعبیر جدایی حوزه از دانشگاه به‌عنوان مهم‌ترین مساله جامعه، تقابل این دو نهاد را از ویژگی‌های جهان مدرن دانست و گفت: «برای رسیدن به وحدت حوزه و دانشگاه یا وحدت علم و دین که بر اثر یک اتفاق تاریخی به این شکل درآمده است، ابتدا باید ریشه‌های این جدایی را شناخت. به همین جهت بنده در این کتاب به ریشه‌یابی پرداخته‌ام و پنج عامل اصلی این بحث را شناسایی کرده‌ام.» خاکبان عوامل بیرونی از جمله رنسانس و سرمایه‌داری و عوامل درونی مثل حکومت، روشنفکران و روحانیت را به‌عنوان علل خمسه جدایی حوزه از دانشگاه نام برد و اضافه کرد: «امروزه اگر بخواهیم به سمت وحدت برویم، نقطه شروع روحانیت است. معتقدم اگر منطق خاص معرفت‌شناسی به‌صحنه بیاید می‌تواند تمام دانشگاه‌های جهان را در خود جذب و با خود همراه کند.

این استاد دانشگاه در ادامه گفت: «اولین علت بیرونی عوامل درونی رنسانس است، نه خود رنسانس؛ چون رنسانس قیام علیه ظلم و ظلمت

هفدهمین کرسی ترویجی

پژوهشگاه فقه نظام برگزار می‌شود

هفدهمین کرسی ترویجی پژوهشگاه فقه نظام، با موضوع بازخوانی ناگزیر فقه نظام به فقه در دین و ولایت فقیه در احکام به ولایت فقه در دین برگزار می‌شود. این کرسی ترویجی با ارائه حجت‌الاسلام احمد آکوچکیان، دانشیار و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه و نقد حجت‌الاسلام سیدياسر صادقی، پژوهشگر پژوهشگاه فقه نظام، همراه است.



وحدت حوزه و دانشگاه یا ذوب یکی در دیگری؟

چرایی گسست میان نهاد سنتی و جدید علم در ایران

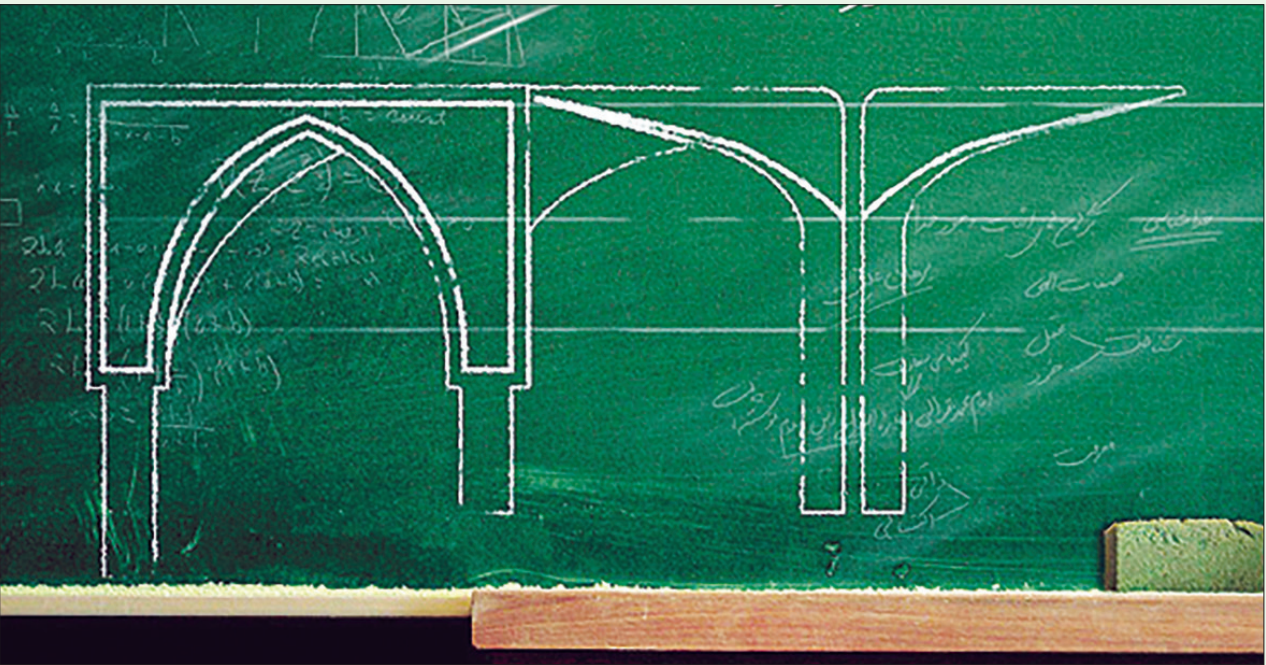
بوده تا دین تحریف شده الهی آن زمان را اصلاح کند. البته شبهات برخاسته از رنسانس در این کتاب لیست شده است. پوزیتیویسم یا خرافه‌مدرن از نظر علامه طباطبایی مهم‌ترین این شبهات در دوره رنسانس بوده است. « مولف کتاب جدایی حوزه از دانشگاه افزود: «به نظر بنده غرب یک لایه اعتقادی و دینی دارد که ما می‌توانیم با آنها یک رابطه دینی اعتقادی خوبی برقرار کنیم. البته روحانیت ما شناختی از قبل نداشته و به همین خاطر

با شمشیری که از رو برای تقابل با غرب به‌سازند به پا می‌خیزد و باعث اصلی جدایی حوزه و دانشگاه می‌شود.»

مهدی مولایی به‌عنوان اولین ناقد این نشست با اشاره به اینکه منابع درون کتاب تقریباً دست دوم است، در رابطه با محتوا و بخش‌های کتاب فقدان بررسی نقش وزارت فرهنگ دوره قاجار و پهلوی به‌عنوان دلیل اصلی جدایی حوزه و دانشگاه را از نقیاط ضعف این کتاب مطرح کرد و افزود: «از متغیرهای تحقیق، تعریف دقیقی نشده است. الان منظور از حوزه و دانشگاه چیست؟ آیا این تعریف از حوزه تعریف اساتید است یا خود حوزه؟ بحث علم و دین است یا حوزه و دانشگاه؟ شاید باید اسم تحقیق هم عوض می‌شد و به نام جدایی علم و دین نام‌گذاری شود.» مولایی با بیان اینکه سیر تاریخی دوره قاجار از ابتدا تا انتها به‌عنوان عاملی که در جدایی این دو نهاد به‌شدت مؤثر بود باید مورد بررسی قرار می‌گرفت اما به جای آن به عوامل بعیده‌ای از جمله سرمایه‌داری اشاره شده است، گفت: «در فصل دوم کتاب در بخش نقش حاکمیت بهتر بود نظرات و اندیشه‌های حاکمان قاجار و پهلوی مورد بررسی قرار گیرد؛ نه اینکه نقش دارالفنون بسیار منفی نمایش داده شود. در بخش روشنفکران انسجامی دیده نمی‌شود و از روشنفکران

داخلی هیچ گونه استفاده‌ای نشده است.» ذوعلم نیز در سخنان خود از میان عواملی که به‌عنوان علل جدایی حوزه و دانشگاه در این کتاب به آنها اشاره شده است، حکومت (مخصوصاً حکومت وابسته پهلوی) را مهم‌ترین و اصلی‌ترین علت عنوان کرد و در مورد عوامل بیرونی نیز نظام سلطه را به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل جدایی نهاد حوزه و دانشگاه دانست. رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برخی استعارات این کتاب از جمله تشبیه علم و دین به‌عنوان دو بسال یک پرنده یا دو پاره عقل بودن حوزه و دانشگاه را نیز چندان قابل قبول ندانست و به جای آن استعاره تمدن و فرهنگ را پیشنهاد کرد.

ذوعلم در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به سخنان امام خمینی(ره) گفت: «ما باید به دنبال وحدت کامل دو نهاد حوزه و دانشگاه باشیم؛ نه ذوب شدن یکی در دیگری. مساله کنونی ما صورت‌بندی جدیدی است که در حال رخ دادن است. در حال حاضر بین بخشی از حوزه ما و بخشی از دانشگاه وحدتی به تدریج شکل گرفته و آن بخش، بخش سکولار است. بخش‌های سکولاری از دانشگاه ما با ارگه‌های سکولار از حوزه با هم وحدت دارند. همچنین لایه‌های انقلابی از دانشگاه ما با لایه‌های انقلابی از حوزه با هم در حال وحدت و انسجام هستند. در کلیت، حوزه و دانشگاه در مقابل هم بوده و صورت‌بندی و جبهه‌بندی جدیدی در حال شکل‌گیری است. در واقع یک جبهه انقلابی از حوزه و دانشگاه در مقابل یک جبهه سکولار از حوزه و دانشگاه در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند.»



کتابخانه

فرهیختگان بازار نشر با گران شدن سرسام‌آور مجدد قیمت کاغذ وارد دلالتی شده که احتمالاً در آینده‌ای نه‌چندان دور کتاب را به کالایی لوکس تبدیل کند. این روزها شاهد تکرار بحران کاغذ بعد از چهار سال هستیم تا چندی بعد خوانندگان و مخاطبان بازار نشر برای یک کتاب ۳۰۰صفحه‌ای ۵۰ هزار تومان پرداخت کنند. حال در این شرایط، بازار کم‌رمق انتشار، نفس به شماره افتاده حیات خود را ادامه می‌دهد. بازار نشر اندیشه به مراتب وضعیت بدتری دارد؛ چراکه مخاطب خاص و گزیده‌خوان دارد.

در دفاع از فلسفه سیاسی ملاصدرا

در این وضعیت بغرنج بازار نشر، کتاب «فلسفه سیاسی صدرالمآلهین» نوشته شریف لک‌زایی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که در زمستان سال گذشته به چاپ رسیده بود در پاییز امسال چاپ دوم خود را تجربه کرد. مستحالا علت استقبال بازار نشر از این کتاب را باید در پاسخ محتقان آن در به چالش کشیدن نظریه

زوال اندیشه سیدجواد طباطبایی جست. یکی از بنیان‌های نظریه زوال اندیشه سیدجواد طباطبایی مبتنی بر این است که فلسفه متعالیه ملاصدرا فلسفه سیاسی ندارد و این فلسفه منجر به زوال اندیشه در ایران شده است. شریف لک‌زایی در این کتاب تلاش کرده از فلسفه سیاسی ملاصدرا صورت‌بندی قابل دفاعی ارائه دهد. این کتاب با هدف ارائه نمای کلی و ابعاد اصلی فلسفه سیاسی صدرالمآلهین و تبیین پاره‌ای از مولفه‌های فلسفی سیاسی وی به نگارش درآمده است. این تحقیق ضمن اثبات شأنیت و ظرفیت فلسفه سیاسی ملاصدرا این نکته را برجسته می‌کند که صدرالمآلهین هم واجد فلسفه سیاسی است و هم این فلسفه را بر قیاس فلسفه وی، می‌توان فلسفه سیاسی متعالیه نام‌گذاری کرد و این یعنی ادامه مناقشه علمی سیدجواد طباطبایی و شریف لک‌زایی. مناقشه‌ای که بارها از سوی سیدجواد طباطبایی از چارچوب‌های علمی خارج و به بیان انتقادات شفاهی تند به پشت تریبون کشیده شده است.

مناقشه حریم خصوصی و نظارت اجتماعی

یکی از مناقشات جدی میان رشته‌ای بین فلسفه حقوق، علوم سیاسی، فقه، مدیریت و... بررسی نسبت نظارت و حریم خصوصی است. اینکه حریم خصوصی افراد تا کجاها را شامل می‌شود و چه فرد و چه نظامات سیاسی- اجتماعی حق ورود به آن را ندارد یا ندارد از یک سو و از سوی دیگر محدوده نظارت نظامات و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی تا چه میزان باید گسترده باشد تا امنیت عمومی را تضمین کند، سوالاتی هستند که پاسخ به آنها مناقشات

جدی میان رشته‌ای را شکل داده است. کتاب «حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج‌البلغه» نوشته به قلم محمداسحاق مسعودی که به تازگی منتشر شده، در تلاش به پاسخ به این مناقشه از منظر قرآن و نهج‌البلغه برآمده است. نویسنده در تبیین ضرورت نگارش این کتاب می‌نویسد: «از مصادیق حقوق بشر، حق حریم خصوصی است که به دلیل اختلاف دیدگاه‌ها در چپستی، چندگونگی و چگونگی اجرا و نیز تراحم آن با تکلیف «نظارت اجتماعی»، امروزه یکی از جدی‌ترین موضوعات چالشی به شمار می‌آید و پرسش‌ها و ابهاماتی را پدید آورده است.

بنابراین باتوجه به اینکه اسلام زیرساخت‌ها و رواساخت‌های حقوق بشر را با هدف سعادت انسان ارائه کرده و بر احترام به حریم خصوصی دیگران تأکید فراوان دارد و از دیگر سو نظارت اجتماعی را برای استمرار نظم اجتماعی و پابندی افراد جامعه به قواعد و هنجارها بایسته می‌داند، تبیین رویکرد اسلام نسبت به حق حریم خصوصی و تراحم آن با